

## شعله‌های خشم حاشیه‌نشینان، فرانسه را در دود آتش فرو میبرد

آتش خشم بی‌چیزان شهرک حاشیه‌نشین کلیشی سو بوآ که با قتل دو نوجوان در حال فرار از تعقیب پلیس شعله‌ور گشت، دم به دم فرونی می‌یابد. جوانان خشمگین با سنگ و بمب‌های آتش‌زا به جان پلیس و مراکز دولتی افتاده و هر آنکس و هر آنچه نشانی از قدرت حاکم دارد را آماج تهاجم خشمگیتانه خود قرار داده‌اند.

تلاش دستگاه‌های خبری برای عبور بی‌سروصدا از کنار این واقعه در حال ناکامی است. اخبار کوتاه و گذرای مطبوعات رسمی از «اغتشاشات خلافکاران در محله مسکونی عرب‌ها» جای خود را به گزارشات طولانی‌تر از جنبش قهرآمیز جوانان استثماری‌شدگان داده است. احزاب سیاسی رسمی و غیر رسمی چپ، با سکوت خود در مقابل جنبش قهرآمیز فرزندان زحمتکش، سهم خویش را در وحشت و نگرانی قدرتمداران بر ملا می‌سازند. خیل عظیم سازمانها و تشکلهای رنگارنگ تظاهرات‌های فرمایشی ضدجنگ و ضد «جهانی شدن سرمایه»، در سکوت مرگ فرو رفته‌اند. گروههای باصطلاح انقلابی و کلیه نمایندگان مارکسیسم‌های رسمی و غیر رسمی غرب، حتی حمایت لفظی خود را از شورش ابراز نکرده‌اند.

گروههای انقلابی چپ کمونیست فرانسه، نه فقط در پیشاپیش این نبرد انقلابی قرار نگرفتند، بلکه درست به مانند دیگر احزاب رسمی در مقابل جنبش انقلابی محلات کارگرنشین، سکوت پیشه کرده‌اند. آنچه این گروه‌ها را با مارش مرگبار سکوت احزاب رسمی همراه کرده، همانا انحرافات اروسنتریستی و تاثیر پذیری اینان از مارکسیسم‌های دانشگاهی غرب است. جنبش قهرآمیز حاشیه‌نشینان، نشان داد که چپ کمونیست اروپا شایسته نام کمونیست نیست. چپ کمونیست اروپا، به رغم نقش تاریخی خود، نشان داد که قابلیت و ظرفیت مبدل شدن به سازمان رزمنده و انقلابی را ندارد.

این شورش، حتی اگر در همین مرحله نیز سرکوب شده و عقب رانده شود، بعنوان مهمترین رخداد تاریخ نیم قرن اخیر فرانسه ثبت خواهد شد. شورش حاشیه‌نشینان، شورشی است علیه مظاهر سرمایه‌داری مدرن. شورشی است علیه خصلت استثماری‌گرانه و اروسنتریستی امپریالیسم غرب. کلیشی سو بوآ تنها یکی از صدها شهرکی است که در سراسر اروپا، محل تجمع پایین‌ترین لایه‌های طبقه کارگر و همچنین سنبل نژادگرایی اروپایی سرمایه‌داری غرب گشته است.

ما کلیه عناصر و محافل انقلابی مرتبط با تشکیلات کارگران انترناسیونالیست در کشورهای مختلف اروپایی را فرا میخوانیم تا با تشکیل هسته‌های فعال، در حمایت، تقویت و حتی دخالت فعال در شورش انقلابی حاشیه‌نشینان، آنرا بسوی یک جنگ طبقاتی علیه سرمایه‌داری سوق دهند. این شورش باید در پیوند با اعتصاب عمومی در مراکز کار، تا سرحد یک جنگ داخلی تمام عیار علیه سرمایه‌داری پیش رود. این یک حقیقت است که غیاب غم‌انگیز حزب انقلابی، امر ایجاد پیوند میان بخش‌های مختلف طبقه کارگر را دشوار می‌سازد. امری که زمینه را برای تحركات راسیستی بورژوازی اروپا در ایزوله نگاه داشتن و به انحراف کشاندن این جنبش مهیا می‌کند. با این وجود و به رغم عدم چشم‌انداز وقوع شرایط انقلابی در اروپا، عناصر و محافل انقلابی و کمونیست وظیفه‌دارند تا برای سازماندهی شورش و مبدل کردن آن به جنگ سازمان‌یافته طبقه کارگر علیه طبقه حاکم، بکوشند.

تشکیلات کارگران انترناسیونالیست

سوم نوامبر 2006